

# مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه می کنند

شماره ۱۳۵۳

پانزدهم مرداد ۱۳۵۳

ششم

## غارث نفت ، تاراج درآمد نفتی و خیانت های رژیم

عینی است برای پرده پوشی این خیانت بزرگ ، فرایند با دیگر از روی سیاست نفتی رژیم پرده برمیداریم .  
**غارث نفت** شاه مدعی بود که بجای نفت خام ، فرآورده های نفتی و حتی اسپرین و پروتئین که ارزشی دهها برابر نفت خام دارد ، صادر خواهد کرد . کشور

نهم مرداد ، روزی که قرار داد جدید نفت با کنسرسیوم باهضاء شاه رسید ، صفحه تازه ای در کتاب پر لورق خیانت های شاه گشوده شد . تبلیغات پر صدا و بی طینت رژیم در سالگرد این روزنگین ، کوشش

## مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## ۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

( سالروز مشروطیت و کودتای ۲۸ مرداد )

نماینده احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند . اصل ۶۴ تصریح میکند که « مجلس شورا یا سنا میتوانند وزراء را تحت مواخذه و محاکمه فرآورند . در اصل ۶۷ گفته میشود که « در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت تامه عدم رعایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار بدارند آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود منعزل میشود . » باین ترتیب معلوم است که عزل و نصب وزراء نه با شاه بی مسئولیت بلکه با مجلس است که نماینده مردم باشند . حال چقدر نفرت انگیز و شرم آور است که حکومت یا بهتر بگوئیم شاه ایران برای مشروطیت که خود و پدرش آنرا نگه مال کرده اند ، جشن بگیرند :

رضنا شاه بوسیله « مجلس مؤسسانی » که اعضای آنرا فرماندهان ارتش انتخاب کرده بودند سه اصل ۲۷ ، ۲۸ و ۳۶ قانون اساسی را تغییر داد . همچنین اصل مربوط به فرماندهی کل قوا را بنحوی عوض کرد که فرماندهی کل قوا در دست او یعنی شاه باشد ! رضنا شاه باین دستبرد ها قناعت نکرد بلکه با حفظ صوری مشروطیت تمام قدرت را عملاً در دست خود متمرکز ساخت و کلیه آزادیها را از مردم سلب کرد . محمد رضنا شاه در کتاب خود « مأموریت من برای وطن » چنین می نویسد : « یکی از نخستین کار های من در آغاز سلطنت این بود که مشروطه و دموکراسی را دوباره احیا کنم . » یعنی آنچه را پدرش نابود کرده بود زنده کند ! ببینیم این « احیاء کننده مشروطه و دموکراسی » با مشروطه و دموکراسی چه کرد ؟

با اعلام حکومت نظامی پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ حزب توده ایران ، بزرگترین حزب کشور را غیر قانونی اعلام کرد و تمام سازمان های دموکراتیک را تار و مار و صد ها نفر را زندانی نمود و در چنین شرایطی برای « احیای مشروطیت » مجلس مؤسسانی فرمایشی تشکیل داد و در محیط ترس و وحشت مجلس سنا را که ظرف چهل سال عمر مشروطیت تا آزمون وجود نداشت چون سنگری در مقابل مجلس دنباله در صفحه ۲

چهارم و بیست و هشتم مرداد دو سالروز است حکومت ایران در یک ماه آنها را جشن میگیرد : شش مشروطیت و دومی جشن کودتای امپریالیستی ردا . مشروطیت نتیجه جنبش انقلابی بورژوا - اتیک ایران است که هدف آن محو رژیم بی قانچار ، طرد استعمار و برقراری آزادیهای اتیک بود . هدف کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برض رژیم استبدادی برقراری ساطه امپریالیستی بوب مردم بود که رژیم ناشی از آن در حال رژیم است فاشیستی و خود کامة شاه در رأس گرفته و سه قوه مقننه ، قضائیه و مجریه را ت خود متمرکز کرده است . در واقع ۱۴ مرداد ن مشروطیت و ۲۸ مرداد روز مرگ کامل آن است . این از مختصات حکومت بی آزمون ایران است برای زایل و هم برای مرگ هر دو جشن میگیرد و شادی میکنند !

مشروطیت که خونهای یک انقلاب خونین بود ل های ۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ شمسی ) قانون اساسی در آن قوای سه گانه قانونگذاری ، قضائی و از هم تفکیک و « ناشی شدن آنها از ملت » بین آزادی عقاید ، احزاب و اجتماعات و مطبوعات تصریح گردیده ، بوجود آورد . بطور کلی این گرچه با مقتضیات زمان حال ما وفق نمیدهد ، حال تا حد زیادی مظهر تمایلات آزادیخواهانه بران و نمودار بیرونی آنها بر ارتجاع و استبداد سلطنتی در دوران خود میباشد . طبق این قانون ها جنبه تشریفاتی دارد و از هرگونه مسئولیت قوای سه گانه مبرا است . اصل ۵۵ قانون میگوید « کلیه قوانین و دستخط های پادشاه مملکتی وقتی اجرا میشود که با مضای وزیر رسیده باشد مسئول صحت منلول فرمان دستخط وزیر است . » اصل ۶۰ تا ۶۴ میگوید که « وزراء مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی سین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را زند . » اصل ۶۴ قانون اساسی میگوید وزراء

## دیدار کمیته مرکزی حزب توده

ایران با کمیته مرکزی حزب

کمونیسست فرانسه - دوست

صدیق مردم ایران

در ماه ژوئیه ۱۹۷۴ ( مرداد ۱۳۵۳ ) ملاقات رسمی بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه انجام گرفت . طی این دیدار برادرانه هر دو هیئت نمایندگی در باره تحول اوضاع بین المللی و نیز در مورد اوضاع سیاسی ایران و فرانسه مذاکره کرده و تبادل نظر نمودند در پایان این ملاقات اطلاعیه مشترکی تنظیم گردید که حاکی از توافق کامل هر دو حزب در باره مسائل مطروحه است . متن کامل اطلاعیه مشترک دو حزب برادر در رادیوی بیابک ایران و شماره سوم مجله دنیا منتشر خواهد شد .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مراتب سپاس گذاری عینی حزب ما وتوده های مردم ایران را بمناسبت پشتیبانی بی دریغی که از جانب حزب کمونیست فرانسه نسبت به مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم رژیم ترور و اختناق شاه ، همواره و بویژه بهنگام دیدار اخیر شاه از کشور فرانسه بنحو چشمگیر و همه جانبه ای تظاهر نموده است ؛ ابراز داشت .

طی اطلاعیه مشترک ، هیئت نمایندگی حزب کمونیست فرانسه سیاست تحریک آمیز و تجاوز کارانه رژیم دیکتاتوری شاه را شدیداً محکوم نمود و ضمن تجدید مراتب همبستگی با حزب توده و پشتیبانی کامل از مبارزات مردم ایران ، اعلام داشت که در آینده نیز برای پایان دادن به شکست های غیر انسانی در کشور ما ، آزادی همه میهن پرستان در بند و علیه تحویل اسلحه و مهمات جنگی بدولت ایران با تمام نیروی خود اقدام خواهد نمود . هر دو هیئت نمایندگی به این نتیجه رسیدند که این دیدار در تحکیم هر چه بیشتر مناسبات و همکاری برادرانه بین دو حزب دارای تأیید بسزای است .

## تسلط انحصارها

استخراج ، صدور ، حمل نفت خام ، پالایشگاههای بزرگ و صنایع پتروشیمی کشور تسلط دارند . کوشش رژیم در جهت مسلط کردن هر چه بیشتر آنان بر منابع و صنایع نفت کشور است . تعداد کمپانها و انحصار های نفتی و کشورهای امپریالیستی در کشور ما روز بروز بیشتر میشود و آنها هر کدام بر انبار های نفت ایران چنگ می یازند و با انبانهایی از یغنای منابع ملی رو بزوال میهن ما بر گزوت و قدرت خویش می افزایند . امریکا و انگلیس و هلند و فرانسه و آلمان فدرال و ایتالیا و ژاپن - این بزرگترین کشورهای امپریالیستی و صاحبان بزرگترین انحصارات جهان بیش از پیش بر منابع و صنایع نفتی کشور ما تسلط میشوند . شاه هر روز راه را برای فعالیت این کشور ها در بخش ازمناج نفتی و رشدهای از صنایع نفت میهن ما هموارتر میسازد . وی منابع و صنایع نفتی ما را به حراج گذاشته است . این خیانت عظیم دیگری است که رژیم مرتکب میشود .

## تاراج درآمد نفتی

کشور را بصورت گوناگون از خرید سلاحهای جنگی گرفته تا اعطای وام و اعتبار ، دوباره به کیسه انحصار ها و دول امپریالیستی باز میگرددند . دولت ایران سالانه میلیاردها دلار صرف خرید کالا از کشورهای امپریالیستی میکند ، میلیاردها دلار در راه تدارک سلاحهای نظامی بهتر سیده و پیکمک مالی کشورهای امپریالیستی و سازمانهای مالی آنان که دهها سال میهن ما را غارت کرده اند ، برمیخیزد . میلیاردها دلار به انگلیس و فرانسه و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر کشورها وام و اعتبار میدهد . دولت ایران بجای سرمایه گذاری در داخل کشور صد ها میلیون دلار صرف تقویت منالی انحصار های نظیر کرویپ دنباله در صفحه ۲

## دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

همچنان خواهند جنگید . شاه که با تأخیر دریافته است که بیرونی رنجش ظفار آسان نیست ، در کنار ادامه این جنگ فرساینده ، از یکسو به لاف و گرفتار . در باره « جنگجوی نیرو های اعزامی ارتش ایران پرداخته ، و از سوی دیگر فعالیت وسیعی را برای جلب رژیمهای ارتجاعی عرب در پشتیبانی از اقدامات خود در عمان آغاز نموده است . واقعیت آنست که هیچیک از کشورهای عرب که سلطان قابوس از آنان تقاضای کمک کرده ، حاضر به اعزام نیرو برای دخالت در جنگ علیه میهن پرستان ظفار نشده و نه تنها حاضر به اعزام نیرو نشده ، بلکه حتی ارتجاعی ترین رژیمهای عربی به اقدامات شاه در عمان با سوء ظن نگریستند ، تا آنجا که سلطان قابوس در برابر تهرهای ملامت سران کشورهای عربی به دفاع از خود پرداخته و گفته است : « . . . در برابر دنباله در صفحه ۲

## وطنه ای که شکست خورد

آن تاریخ ژنرال گریواس و سازمان تروریستی او کوشیدند با ایجاد یک هرج و مرج خونین در جزیره راه را بروی فاشیسم بگشایند . پس از مرگ گریواس نیکوس سامپسون که در شهر لندن سابقه حبس پنج ساله بجرم زدی دارد و بنا به اعتراف خودش حویست زن و کودک را بدست خود کشته است ، جانشین وی گردید . نیکوس سامپسون فاشیست ، این گانگستر و جنایتکار حرفه ای را حامیان « دموکراسی » و « تمدن مسیحی » برگزیدند تا با کشتن اسقف ماکاریوس رئیس جمهوری قانونی ، کرسی او را غصب کنند ؛ برای نشان دادن سرشت تبه کارانه امپریالیسم کمتر میتوان نمونه ای از این بلیغ تر ارائه داد : « تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل . » دنباله در صفحه ۲

وطنه ای که سازمان جاسوسی امریکا بدست خود تیمتزیوس یوآندیس ( رئیس سازمان امنیت فر قبرس تدارک دیده بود و هدف آن قتل اسقف یس رئیس جمهور قانونی قبرس و استقرار رژیم ی نیکوس سامپسون در این جزیره بود باشکست شد . دیکتاتوری خونین و ننگین چند روزه بن سقوط کرد . یوآندیس و دولت فاشیستی تکیه کاهش در آن مجبور به کناره گیری شدند . برای اجراء قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل دتلی فاشیستی قبرس را محکوم و ضرورت استقرار یت مستقل و دموکراتیک آنرا تأیید کرد ، در زیر آماده تر شده است . کودتای قبرس که در اصطلاح دستگاههای ی امپریالیستی « عملیات پرزیدنت » نام گرفته واقع از سال ۱۹۷۱ زمینه چینی شده است . از

# سرنگونی رژیم موجود شرط مقدم حرکت جامعه به جلو است

دنیاله از صفحه ۱

## ۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

شورا برپا کرد، اصل ۴۸ قانون اساسی را بدینطوریک تغییر داد که شاه میباید هر یک از مجلسین شورا و سنا را جداگانه و بنا دو مجلس را در آن واحد منحل سازد. با این تغییر دو اصل دیگر قانون اساسی (پانزدهم و سی و هشتم) را که برای تأمین آزادی نمایندگان مجلس و مصونیت آنها از ارباب و تهدید وضع شده عملاً نقض کرد، پس از تأسیس مجلس سنا برخلاف نص صریح قانون اساسی مجموع دو مجلس را بنام کنگره جانشین مجلس مؤسسان نمود.

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد فرصت تازه‌ای بدست او داد تا برخلاف اصل ۴۹ قانون اساسی برای خود حق «وتو» در مورد کلیه قوانین از جمله قوانین مالی که سرنوشت دولتها بدان بسته و از مختصات مجلس است، بوسیله «کنگروه» بدست آورد. چندی نگذشت که یکبارگی عملاً طومار قانون اساسی را در هم پیچید و ادعا کرد که هنگام تعطیل مجامعین فرمانهایش حکم قانون دارد. و بدینسان حق وضع قانون را که منحصرأ طبق اصل ۲۷ ممتنع قانون اساسی از حقوق مجلس است بخود اختصاص داد.

بدین ترتیب شاه با مغفله کردن قانون اساسی تمام قدرت را در دست خود قبضه کرد و در یک کلام همه کاره شد. اینکار بدینجا رسیده که شاه «دموکرات» و کسی که سالها مدعی بود در ایران «دموکراسی» وجود دارد، بر ملا خود را قادر مطلق اعلام میکند و بی پرده آزادی و دموکراسی را مضر بحال جامعه میداند و آن را بنیاد مسخره میگیرد!

در اینجا فرصت آن نیست که بذکر تغییرات در قوانین جزایی و تشکیل دادگاههای نظامی بپردازیم. کافی است گفته شود که تنها در دو سال اخیر طبق آمار رسمی بیش از ۶۰ تن از بهترین فرزندان مردم ایران را در این «قوانین» در بنیادگاههای نظامی محکوم باعدام کرده‌اند که بیشتر آنها با اتهام به «قیام علیه مشروطه» تیرباران شده‌اند!

امپریالیستها، شاه و حکومت دست نشانده او میتوانند ۲۸ مرداد را برای خود جشن بگیرند زیرا این کودتا از سوئی باامپریالیستها امکان داد تا بهدیهایی باید خود بپردازند. منافع ملی شده نفت را غارت کنند و ایران را به بلوک نظامی «سنتو» کشانند. باقرآباد و حوضخانه نظامی باامپریالیسم آمریکا پیوند دهند. بر شاهرگهای اقتصادی و تجاری ایران مسلط گردند، ایران را به پایگاه ممالی و ترخیص علیه همسایگان تبدیل نمایند، فرماندهی واقعی ارتش ایران را بدست خود گیرند، صدای خلقهای ایران را در گلو خفه کنند و از سوئی دیگر شاه و نوکران او و ارتجاع داخلی بر سرود میلیون نفر مردم ایران فرمانروا و به ارضای هوسهای پلید خود سرگرم باشند. اما برپا کردن جشن مشروطیت از طرف آنها جز دهن کبچي ب مردم، توهینی بشدهای راه آزادی و استقلال ایران چیز دیگری نیست. آنها امروز ۲۸ مرداد را جشن میگیرند و ۱۴ مرداد را هم بصورت مسخره آوری بنام سالروز مشروطیت حفظ میکنند ولی آیا ادامه این وضع برای شاه و یاران امپریالیست او امکان پذیر است؟ آیا در جهانی که رژیمهای فاشیستی، دیکتاتوری و پادشاهی مانند پرتغال، افغانستان، پاکستان، یونان و امثال آنها فرو میریزند و جنبش خلفها برای آزادی، استقلال و بهرزی هر روز اوج بیشتری میگیرد، ایران میتواند یک مورد استثنائی باشد؟ ابتدا شرایط جهانی بسود خلفها بطور مداوم در حال دگرگونی است، جبهه‌صالح و سوسیالیسم و جنبشهای ضدامپریالیستی هرروز نیرومندتر میشوند. ناراضی مردم ایران روزافزون است و تلخ‌ترم شرایط بسیار دشوار داخلی ایران، آتش مبارزه تیزتر میگردد، افق نزدیکی و همکاری نیروهای ملی و دموکراتیک روشن تر میشود و سرانجام روزی که در آن رژیم سلطنت استبدادی واژگون گردد دیر یا زود فرا خواهد رسید وظیفه مبارزان تلیر ایران درجشن مشروطیت زیاد بود شوم ۲۸ مرداد تشدید مبارزه علیه رژیم و افشای آن بهر ممکن میباشد. ا. گویا

دنیاله از صفحه ۱

## غارت نفت، تاراج در آمد نفتی و خیانتهای رژیم

میکند. چنانکه از گفتر روز ۵ مرداد ۱۳۵۴ رادیو تهران برمیاید، دولت ایران فقط در سال جاری ده میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور را بصورت وام و اعتبار و سرمایه گذاری در کشورهای خارجی مصرف خواهد کرد. بازگرداندن درآمد ملی ما و به تاراج دادن منابع ارزی میهن ما خیانت دیگر رژیم حاکم بر سرنوشت مردم ایران است.

**این چگونه منطقی است؟** رژیم که منابع ثروت و درآمد ملی ما را چنین بی پروا بر باد میدهد، برای توجیه خیانت های خود «منطق» خاصی بکار میبرد. دولت ایران گاه مدعی میشود که بکار انداختن درآمد هنگفت نفت در داخل کشور ایجاد تورم خواهد کرد، گاه میگوید که کشور ما به علت فقدان کارگر ماهر و تأسیسات زیر بنایی قادر ب جذب سرمایه های هنگفت نیست. در اینجا این سؤال منطقی پیش میاید: رژیم شاه که مدعی است ایران قادر به جذب سرمایه دانه ایانی، نفت نیست، چه اصرار در استخراج و صدور آن به کشورهای امپریالیستی دارد، چرا دولت ایران ذخایر نفتی کشور را بمنظور بهره برداری صحیح تر و کسب درآمد بیشتر برای آینده ذخیره نمیکند؟ علاوه رژیم که مدعی است ایران قدرت جذب سرمایه بیشتر ندارد، چرا میلیارد ها دلار از کشورهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و آلمان فدرال و ژاپن و غیره برای سرمایه گذاری به ایران جلب میکند؟ این اقدامات رژیم بر کدام منطق و بر کدام اصول اقتصادی مبتنی است؟

**اینها همه بهانه است** دعای رژیم در باره خطر تورم و بنا علم قدرت جلب تمام درآمد های نفتی سفسطه ای پیش نیست. این ادعا که استفاده از تمام درآمد نفت گویا باعث تورم میشود، اعطای است بی پایه. با استفاده صحیح از درآمد نفتی در داخل کشور بکار انداختن آن در راه رشد موزون و هماهنگ تمام فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و تمام رشته های تولیدی، با اتخاذ سیاست مالی و پولی و بانکی و اعتباری صحیح، یعنی تمام آن چیزهایی که رژیم به علت هزینه های سرسام آور غیر تولیدی نظیر هزینه های نظامی و اداری و غیره تاکنون نتوانسته است انجام دهد، میتوان از بروز تورم در داخل کشور جلوگیری کرد.

در مورد جذب سرمایه نیز باید گفت که همین ما برای بهره برداری از منابع متنوع و سرشار طبیعی و استفاده از نیروی کار فراوان که بخش قابل ملاحظه ای از آن در حال بیکاری و نیمه بیکاری است، برای رشد سریع اقتصاد کشور و بهبود وضع زندگی زحمتکشان و بر انداختن عقب ماندگیها و نارساییهای اقتصادی و اجتماعی به ده ها و صد ها میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد. برخی از دشواریهای موجود نظیر فقدان کارگر ماهر و کادرفتی و تکنیک و تکنولوژی معاصر که خود معلول سیاست ضد خلقی رژیم موجود است، دشواریهایی است که بخصوص با تکیه به کمکهای بی شائبه کشورهای سوسیالیستی و با ایجاد مناسبات سالم و برابر حقوق با کشورهای پیشرفته، در مدتی نه چندان طولانی میتوان بر آنها غلبه کرد.

پاری، اینگونه دعای بی پایه سفسطه هائی است برای توجیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم کنونی. شاه میخواهد از راه بازگرداندن درآمد نفت به انحصار ها و کشورهای امپریالیستی کمک کند و در عین حال برای جلب سرمایه های امپریالیستی به کشور تضمین بوجود آورد و سرانجام با ایجاد پیوند بیشتر و عمیقتر میان منافع رژیم استبدادی و ارتجاع داخلی و انحصار ها و دول امپریالیستی، پشتیبانی هر چه بیشتر آنان را جلب نماید. این نیز خیانت دیگری است که رژیم شاه نسبت به منافع و مصالح واقعی میهن ما مرتکب میشود.

**خیانت به منافع خلق های دیگر دولت ایران**

با استفاده از درآمد هنگفت نفت نقش پاسدار سلاح بدست منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم را در خلیج فارس و مناطق همجوار آن به عهده گرفته است. رژیم شاه با استفاده از قدرت نظامی خود، ببهایی از دست دادن ده ها میلیارد دلار (که میتوانست در راه پیشرفت اقتصادی و بهبود زندگی زحمتکشان ایران

دنیاله از صفحه ۱

## توطئه ای که شکست خورد

مجله «شیکگل» منتشره در آلمان غربی جریان کودتا را چنین شرح میدهد: تنظیم نقشه کودتا چندین هفته طول کشید. دیمتریوس ریوآ پندیس رئیس سازمان جاسوسی «اسا» دستور اجراء آنرا صادر کرد. این اقدام را به ژنرال کندیادیوس سپردند. وی برای انحراف نظر چند روز قبل از کودتا بظاهر از کار خود استعفا داد و به آتن آمد. روز ۱۳ ژوئن هدف عمده این توطئه که قتل ماکاریوس بود از طرف دولت فاشیستی آتن رسماً تصویب شد. اما هدف سیاسی کودتا اجراء نقشه «آلوزیس» یعنی الحاق قبرس به کشور یونان بود و درست همین هدف دولت ترکیه را که همیشه مخالف این الحاق بود به واکنش نظامی وا داشته است و این چیزی بود که ظاهراً در حساب توطئه گران واشنگتن و آتن وارد نمیشد. واکنش ترکیه، جناح شرقی پیمان ناتو را دچار بحران و آشفتگی رسوا و مضحکی ساخت و بسیاری از نقشه ها را بهم ریخت.

پشتیبانی اصولی و محکم اتحاد شوروی در شورای امنیت از حقوق حقه مردم قبرس برای استقلال و دموکراسی، امپریالیستها را که این بار کوشیدند در «جبهه مشترک» عمل نمایند و در لافه سالوسیاها و موفی گریهای خاص خودشان سعی بلیغ بکار برند تا موضوع را به نحوی ماسعالمی نمایند، عقب زد. در تخطئه شورائی امنیت که بافذاق آراء تصویب شد، حقیقت بسود مصالح خلق قبرس که علیه بانند خون آشام سامسون جلاذ مبارزه میکرد و در این مبارزه دو هزار قربانی داد پیروز شد. شکست فاشیستهای اتن و قبرس و اربابان امریکائی و انگلیسی آنها در امر پیش بردن توطئه، هنوز مرحله ای مقدماتی از یک روند فزاینده است. تحولات اخیر یونان که منجر به سقوط دیکتاتوری فاشیستی ساخت پنتاکون و سیا شد و نیز وضع در جزیره قبرس باید بان سرانجامی که مطلوب خلق های این سرزمینهاست برسد. این نه فقط آرزو و خواست آنها، بلکه آرزو و خواست همه مردم جهانست. حوادث قبرس، یونان و بحران جناح شرقی ناتو در مدیترانه ثمره مستقیم تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بسود صلح و برابری ایران جنگ و جنگ سرد و مظهر تازه ای از آنست. ما مطمئنیم که همین عامل مهم که تأثیر دائمی دارد در سیر آتی این روند اثرات خود را خواهد گذاشت. آری، آن دوران بی بازگشت سپری شده است که واشنگتن و لندن و دیگر همدستان امپریالیست آنها میخوانستند بسود زاهزنهائی غدارانه خویش در گستره جهان، هر زوری را که میخواهند بگویند و هر نقشه پست فظرتانه ای را که در سر دارند عملی کنند. ضعف و محدودیت امکانات آنها بیش از پیش روی داثره می آند و برملا میشود.

حوادث قبرس مانند بسیاری حوادث دیگر سال های اخیر در جهان، درسهای گونا و عبرت انگیزی است که در درجه اول باید چاکران ایرانی امپریالیسم را از مستی بیخوردانه اشان بیدار کند.

مصرف شود) به سرکوب جنبش های آزادیبخش در منطقه خلیج فارس و توطئه و تحریک علیه ملل و خلق های عرب و کرد و بلوچ در کشورهای همسایه و علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در این منطقه پرداخته است.

رژیم شاه با استفاده از درآمد نفت، علاوه بر نقش ژاندارم منطقه همچنیز نقش دستیار امپریالیسم را بمنظور ایجاد رخنه اقتصادی و اعمال نفوذ سیاسی میان کشورهای در حال رشد آسیا و افریقا به عهده گرفته است. شاه با به عهده گرفتن این نقشهای خرابکارانه عملاً به صورت «دوچه» امپریالیسم در آسیا و افریقا در آمده است. این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه علیه جنبش آزادیبخش خلفها و در آخرین تحلیل علیه منافع ملی مردم ایران مرتکب میشود. تمام اینها حقایق رسوا کننده است که هر کدام به تنهایی محکومیت رژیم را در برابر مردم ایران و خلقهای دیگر نشان میدهد. دعای خود ستابانه

دنیاله از صفحه ۱

## دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کو

شرکت نیروهای ایران در کنار نیروهای عمان در منطقه ظفار تبلیغات کمونیستی حقایق را در این تحریف کرده است. ... عمان حق داشته است از ایران چنین کمکی دریافت کند، چون این یک کشور اسلامی و علاوه بر این یک کشور پانزدهم و سی و هشتم) را که برای تأمین آزادی نمایندگان مجلس و مصونیت آنها از ارباب و تهدید وضع شده عملاً نقض کرد، پس از تأسیس مجلس سنا برخلاف نص صریح قانون اساسی مجموع دو مجلس را بنام کنگره جانشین مجلس مؤسسان نمود.

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد فرصت تازه‌ای بدست او داد تا برخلاف اصل ۴۹ قانون اساسی برای خود حق «وتو» در مورد کلیه قوانین از جمله قوانین مالی که سرنوشت دولتها بدان بسته و از مختصات مجلس است، بوسیله «کنگروه» بدست آورد. چندی نگذشت که یکبارگی عملاً طومار قانون اساسی را در هم پیچید و ادعا کرد که هنگام تعطیل مجامعین فرمانهایش حکم قانون دارد. و بدینسان حق وضع قانون را که منحصرأ طبق اصل ۲۷ ممتنع قانون اساسی از حقوق مجلس است بخود اختصاص داد.

بدین ترتیب شاه با مغفله کردن قانون اساسی تمام قدرت را در دست خود قبضه کرد و در یک کلام همه کاره شد. اینکار بدینجا رسیده که شاه «دموکرات» و کسی که سالها مدعی بود در ایران «دموکراسی» وجود دارد، بر ملا خود را قادر مطلق اعلام میکند و بی پرده آزادی و دموکراسی را مضر بحال جامعه میداند و آن را بنیاد مسخره میگیرد!

در اینجا فرصت آن نیست که بذکر تغییرات در قوانین جزایی و تشکیل دادگاههای نظامی بپردازیم. کافی است گفته شود که تنها در دو سال اخیر طبق آمار رسمی بیش از ۶۰ تن از بهترین فرزندان مردم ایران را در این «قوانین» در بنیادگاههای نظامی محکوم باعدام کرده‌اند که بیشتر آنها با اتهام به «قیام علیه مشروطه» تیرباران شده‌اند!

امپریالیستها، شاه و حکومت دست نشانده او میتوانند ۲۸ مرداد را برای خود جشن بگیرند زیرا این کودتا از سوئی باامپریالیستها امکان داد تا بهدیهایی باید خود بپردازند. منافع ملی شده نفت را غارت کنند و ایران را به بلوک نظامی «سنتو» کشانند. باقرآباد و حوضخانه نظامی باامپریالیسم آمریکا پیوند دهند. بر شاهرگهای اقتصادی و تجاری ایران مسلط گردند، ایران را به پایگاه ممالی و ترخیص علیه همسایگان تبدیل نمایند، فرماندهی واقعی ارتش ایران را بدست خود گیرند، صدای خلقهای ایران را در گلو خفه کنند و از سوئی دیگر شاه و نوکران او و ارتجاع داخلی بر سرود میلیون نفر مردم ایران فرمانروا و به ارضای هوسهای پلید خود سرگرم باشند. اما برپا کردن جشن مشروطیت از طرف آنها جز دهن کبچي ب مردم، توهینی بشدهای راه آزادی و استقلال ایران چیز دیگری نیست. آنها امروز ۲۸ مرداد را جشن میگیرند و ۱۴ مرداد را هم بصورت مسخره آوری بنام سالروز مشروطیت حفظ میکنند ولی آیا ادامه این وضع برای شاه و یاران امپریالیست او امکان پذیر است؟ آیا در جهانی که رژیمهای فاشیستی، دیکتاتوری و پادشاهی مانند پرتغال، افغانستان، پاکستان، یونان و امثال آنها فرو میریزند و جنبش خلفها برای آزادی، استقلال و بهرزی هر روز اوج بیشتری میگیرد، ایران میتواند یک مورد استثنائی باشد؟ ابتدا شرایط جهانی بسود خلفها بطور مداوم در حال دگرگونی است، جبهه‌صالح و سوسیالیسم و جنبشهای ضدامپریالیستی هرروز نیرومندتر میشوند. ناراضی مردم ایران روزافزون است و تلخ‌ترم شرایط بسیار دشوار داخلی ایران، آتش مبارزه تیزتر میگردد، افق نزدیکی و همکاری نیروهای ملی و دموکراتیک روشن تر میشود و سرانجام روزی که در آن رژیم سلطنت استبدادی واژگون گردد دیر یا زود فرا خواهد رسید وظیفه مبارزان تلیر ایران درجشن مشروطیت زیاد بود شوم ۲۸ مرداد تشدید مبارزه علیه رژیم و افشای آن بهر ممکن میباشد. ا. گویا